



افشاگرهای متهمان «دومین پرونده نارداران»: برای گرفتن اعترافات ساختگی، شکنجه می کردند

قهرمانف با تشریح شکنجه هایی که در زمان بازجویی در «باندوتدل» تحمل کرده است، گفت: « برای گرفتن اعترافات ساختگی، شکنجه می کردند. به بازجو گفتم که سخنانم را درست گزارش کن. اما، بازجو گفت ما مامور هستیم و هرچه دستور می دهند، همان را انجام می دهیم. من هم گفتم اگر صورتجلسه را امضاء نکنم، چه می شود؟ گفت تو نمی توانی آن را امضاء نکنی. »

به گزارش آران نیوز، ناهید قهرمانف، از فعالان زندانی «جنبش اتحاد مسلمانان جمهوری آذربایجان» و یکی از متهمان «دومین پرونده نارداران» در ادامه محاکمه این گروه گفت به هنگام بازجویی از من در بازداشتگاه «باندوتدل» (اداره مبارزه با جرایم سازمان یافته وزارت کشور جمهوری آذربایجان) ، بازجو مدعی شد که ایران دو میلیون دلار پول برای کودتا در جمهوری آذربایجان ارسال کرده است!

به گزارش مونیتورینگ خبرگزاری صداسویما به نقل از پایگاه اینترنتی «میدان تی وی»، ناهید قهرمانف با تشریح شکنجه هایی که در زمان بازجویی در «باندوتدل» تحمل کرده است، گفت: « برای گرفتن اعترافات ساختگی، شکنجه می کردند. به بازجو گفتم که سخنانم را درست گزارش کن. اما، بازجو گفت ما مامور هستیم و هرچه دستور می دهند، همان را انجام می دهیم. من هم گفتم اگر صورتجلسه را امضاء نکنم، چه می شود؟ گفت تو نمی توانی آن را امضاء نکنی. »

ناهید قهرمانف افزود: « قبلا نیز یک بار در تظاهرات «درخواست آزادی حجاب» دستگیر شده بودم که در 30 دسامبر سال 2014 شامل عفو عمومی شدم. در آن زمان در زندان با «آقاعلی یحیی اف» که او هم بخاطر اعتراض به ممنوعیت حجاب در مدارس جمهوری آذربایجان دستگیر شده بود، آشنا شدم. او به من گفت سازمانی به نام «جنبش اتحاد مسلمانان» در حال تشکیل شدن است. من نیز به آن پیوستم و خودم کارهای ثبت رسمی این سازمان را انجام دادم و اسناد و مدارک لازم را به وزارت دادگستری جمهوری آذربایجان بردم. در وزارت دادگستری، کارهای ثبت را خانم فاطمه سلیم زاده انجام می داد. از وی پرسیدم که آیا می توانیم تا زمان صدور مجوز رسمی، فعالیت «جنبش اتحاد

مسلمانان» را آغاز کنیم. او هم گفت که بله می توانید. اما، اکنون ما را دستگیر کرده اند و می گویند عضو سازمانی غیرقانونی بوده اید!» ناهید قهرمانف گفت: « در زمان ممنوعیت حجاب در مدارس، یکصد هزار امضاء از شهروندان برای لغو این ممنوعیت جمع آوری کردیم و به رییس جمهوری ارسال کردیم. اما، هیچ اعتنایی به این طومار نشد. وقتی هم که نخستین تجمع مسالمت آمیز علیه ممنوعیت حجاب را در مقابل وزارت آموزش جمهوری آذربایجان تشکیل دادیم، نیروهای پلیس، خانم های شرکت کننده در این تجمع را کتک زدند و بر روی زمین کشیدند و قرآن کریم را به زمین زدند. وقتی هم در دومین تجمع «درخواست آزادی حجاب»، نیروهای پلیس کتک خوردند، می گفتند که این خشونت برای چیست؟ من هم گفتم که در عوض کتک زدن به خانم ها و به زمین انداختن قرآن است. ما همیشه برای اصلاح کشور تلاش کرده ایم و با اعتیاد و مواد مخدر مبارزه می کردیم. مرا به وزارت امنیت ملی احضار کردند و گفتند در دبیرستان منطقه «بینه قدی» هر روز دو کیلو هروئین فروخته می شد، شما چکار کرده اید که این رقم به نیم کیلو کاهش یافته است؟»

ناهید قهرمانف افزود: « دو نیروی پلیس هم که در نارداران کشته شدند، از نیروهای نمازخوان و دیندار پلیس جمهوری آذربایجان بودند و به همین علت، (مقامات پلیس) آنها را کشتند و تقصیر را به گردن ناردارانی ها انداختند. اسماعیل، یکی از پلیس ها کشته شده، قبل از اعزام به عملیات نارداران، به (حجت الاسلام) حاج ذوالفقار میکائیل زاده، (روحانی زندانی لنگرانی) تلفن کرده و گفته بود مرا دعا کنید، از نتیجه رفتن به عملیات علیه مومنان (در نارداران) خوف دارم.»

ناهید قهرمانف گفت: « بازجوها ضمن شکنجه به ما، به ناردارانی ها و شهدای ما فحش می دادند. یکی از بازجوها به من گفت که از ایران دو میلیون دلار پول فرستاده اند تا شما در جمهوری آذربایجان کودتا کنید. من گفتم که چنین چیزی صحت ندارد. بازهم فحش داد و گفت شما جاسوس، خودفروش و ارمینی هستید. بر روی سرم توبره کشیده بودند و کتک می زدند. وقتی توبره را برداشتند و دیدند که من به آنها می خندم، خیلی عصبی شدند. گفتند شما برای آمریکا کار می کنید. من هم گفتم آمریکا کجا، ما کجا؟ گفتم هر قدر هم شکنجه بدهید، علیه حاج طالع باقرزاده (رهبر جنبش اتحاد مسلمانان) اعتراف نامه امضاء نخواهم کرد.»

ناهید قهرمانف افزود: « حتی ارمینی ها هم به کشته های جمهوری آذربایجان آن قدر بی احترامی نکرده بودند که این ها به کشته های نارداران اهانت کردند. این ها، بر روی جسد «اکبر» (اکبر بابایف، یکی از کشته شدگان در حمله پلیس جمهوری آذربایجان به نارداران در 26 نوامبر 2015) در ناحیه ... ، علامت نازیسم کشیدند و تصویر آن را در شبکه ها نشان دادند.»

در این جلسه از دادگاه، همچنین امیرلی علی اف، یکی دیگر از محاکمه شوندگان گفت: « دو پسر من و پسر برادرم را بازداشت کرده بودند. من هم برای خلاص کردن آنها گفتم پسرهایم و پسر برادرم را آزاد و مرا دستگیر کنید. من برای نجات فرزندانم این پیشنهاد را کردم. اما، من به تجارت مشغولم و طالع باقرزاده را نمی شناسم.» همچنین «آقاعلی یحیی اف» یکی دیگر از متهمان گفت: «خودروی شخصی مرا هم پس از دستگیری ام، به عنوان مدرک جرم توقیف کرده اند. با آن خودرو هیچ جرمی انجام نشده است. برای انجام عمل جراحی فرزندم، خانواده باید آن را بفروشند و پولش را خرج بیمارستان کنند. لطفا دستور دهید آن خودرو را به خانواده ام برگردانند.» مایل بایراموف، قاضی دادگاه با این درخواست مخالفت کرد و گفت فقط در زمان صدور رای دادگاه می توان در این باره تصمیم گرفت.